

میلاد نما محمد سید مبارک باد

ستاد اقامه نماز استان چهارمحال و بختیاری
با مشارکت بانک صادرات استان برگزار می کند:

مسابقه مطالعاتی

شکافنده علوم

نماز در سیره

علاقه مندان جهت شرکت در مسابقه پاسخ
سوالات را به صورت یک عدد ۱۰ رقمی به
لایتن از چپ به راست به سامانه پیامکی ۱۷۰۰۰۰۱۰
ارسال نمایند.

جایزه: کارت هدیه ۳۰۰ هزار تومانی

آخرین مهلت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵



مدیریت شعب بانک صادرات
استان چهارمحال و بختیاری



ستاد اقامه نماز
استان چهارمحال و بختیاری

بسم الله الرحمن الرحيم

مسابقه مطالعاتی « نماز در سیره شکافته علوم »

ویژه ولادت با سعادت حضرت امام محمدباقر علیه السلام

مقدمه:

نماز، در محضر ائمه اطهار علیهم السلام، عملی است فوق طاعات که به وسیله آن می توان روح را به معبود رسانید و شکوه بندگی را به پیشگاه پروردگار، عرضه کرد. از آنجا که عبادت، هدف از خلقت انسان است و مستقیم ترین راه برای رسیدن او به اوج کمال و قله ی معرفت و بصیرت، نماز است، امامان بزرگوار، همواره جایگاه ویژه ای برای نماز قائل بودند. از این رو، مطالعه و نکته سنجی در سیره و زندگی و نیز سخنان و احادیث امامان معصوم علیه السلام به ما کمک خواهد کرد تا بتوانیم الگویی شایسته برای هدایت اعمال و گفتار و طرز تفکر و سبک زندگی خود، داشته باشیم و از این طریق، هم شایسته ی مقام قرب الهی شویم و هم باور خود و اطرافیانمان را در صراط مستقیم و منتهی به مقصود سعادت به جریان بیاوریم. ما در این مقاله قصد داریم به بررسی «نماز در سیره و زندگی امام محمد باقر علیه السلام» بپردازیم. با ما همراه باشید.

مروری بر زندگی امام محمد باقر علیه السلام

امام محمد باقر علیه السلام، در اولین روز از ماه رجب سال ۵۷ هجری قمری در شهر مدینه به دنیا آمدند. پدر بزرگوار ایشان، امام سجاد و مادر ایشان فاطمه دختر امام حسن علیه السلام است. در واقعه عاشورای سال ۶۱ ایشان، چهار ساله بودند. امام باقر علیه السلام پس از شهادت پدر بزرگوارشان، در سال ۹۵ هجری قمری به امامت رسیدند و به مدت ۱۹ سال پیشوای شیعیان بودند. دوران امامت ایشان همزمان با پنج نفر از خلفای بنی امیه یعنی ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک و هشام بن عبدالملک بوده است. امام محمد باقر علیه السلام در سال ۱۱۴ ه.ق در مدینه دار فانی را وداع گفتند و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. علت درگذشت ایشان را مسمومیت به دستور هشام بن عبدالملک می دانند.

چرا باقر العلوم لقب آن حضرت نامگذاری شده است؟

شیخ صدوق رحمه الله از عمر بن شعره نقل می کند که وی گفت: از جابر بن یزید جعفری که از شاگردان امام بود، سؤال کردم: چرا امام محمد باقر علیه السلام را باقر نامیدید؟ گفت: شکافت علم را شکافتنی و آشکار کرد آن را. و نیز علما و دانشمندان دینی گفته اند: او را باقر نامیدند، زیرا شکافته همه ی علوم، از اولین تا آخرین آن بود و دلش دریای پهناور

علم و آگاهی و چشمه جوشان و حیات بخش دانش بود، جابر بن عبدالله گوید: «امام باقر علیه السلام به من فرمودند: به خدا قسم ای جابر! خداوند تبارک و تعالی، علم و دانش هر آن چه که بوده و آن چیزی که خواهد بود را تا روز قیامت را به من عطا فرمودند.

نماز در سیره و زندگی امام محمد باقر علیه السلام

نماز، جلوه گاه زیبایی و خضوع بنده است در برابر پروردگار بی همتایی که عبادت مخلوق را یکی از اهداف آفرینش بیان کرده است زیرا بنده در حال نماز و سجده، مقرب تر از هر حال و هر زمانیست به خداوند متعال و چه تماشایی است این نماد بندگی از جانب کسی باشد که شکافنده ی علوم لقب گرفته است. عبادتی که دریای معارف و اسرار الهی است از جانب پیشوایی که خود دریای معرفت و شکافنده ی رموز و اسرار است، زیبا و تماشایی است. جلوه های شکوه نماز امام محمد باقر علیه السلام بسیارند. از آن جمله:

خضوع و خشوع در نماز:

درباره نحوه نماز خواندن آن حضرت گفته اند که؛ هنگامی که آن حضرت به نماز می ایستاد، رنگ از چهره می رفت و رخسار مبارکش به زردی می گردید. چنانچه ابی ایوب نقل می کند: زمانی که امام باقر و امام صادق علیهما السلام به نماز می ایستادند، «تَغَيَّرَتِ الْوَانَهُمَا مَمْرَةً وَ مَرَّةً صَفْرَةً كَأَنَّمَا يَنَاجِيَانِ شَيْئًا يَرِيَانَهُ»؛ رنگ چهره شان گاه سرخ و گاه زرد می شد، گویی با کسی مناجات می نمایند که او را می بینند. البته این امر، در خاندان پیامبر صلوات الله امری متداول است چرا که ایشان عظمت خدای تعالی را درک کرده بودند. عظمت خدای بزرگی که خالق هستی است و به آن نعمت حیات بخشیده. ایستادن در نهایت خضوع و خشوع در برابر چنین معبود با عظمت و بزرگی، شیوه ی پیشوایان پرهیزگار و بندگان مقرب الهی است.

از قول یکی از موالیان آن حضرت نقل شده است که فرمود: هنگامی که در سفر حج به اتفاق هم وارد مسجدالحرام شدیم، زمانی که چشم حضرت به کعبه افتاد، با صدای بلند گریستند و در پاسخ پرسش من که از دلیل آن گریه پرسیدم، فرمودند: «... چرا گریه نکنم، شاید خداوند به سب این گریه بر من نظر رحمت نماید تا بتوانم به واسطه ی آن در روز قیامت رستگار شوم». بعد از آن، حضرت باقر، به طواف و نماز مشغول شدند و چون سر از سجده برداشتند، محل سجودشان از کثرت اشک چشم مرطوب شده بود.

حضور قلب در نماز:

جابر جعفی چنین نقل می کند: روزی امام محمد باقر علیه السلام به نماز ایستاده بودند، چیزی بر سر ایشان نشست. ولی حضرت به دلیل توجه قلبی به نماز و حضور قلب خالصانه، متوجه نشده و هیچ حرکتی انجام ندادند تا آنکه فرزند ایشان برخاسته و آن را از سر حضرت برداشتند.

عشق به نماز:

امام محمد باقر علیه السلام بسیار به نماز علاقه داشتند و در هر فرصتی به نماز می پرداختند. روایت است که ایشان در شبانه روز یکصد و پنجاه رکعت نماز می خواندند. و امورات زندگی و مسائل مربوط به مرجعیت امت و حتی مکاشفه ها و تحقیقات علمی، آن حضرت را از مداومت بر اقامه ی نماز باز نمی داشت، زیرا نماز به واسطه ی ارتباط قلبی و اتصال محکمی که بین نمازگزار و معبود ایجاد می کند، لذت بخش ترین و محبوبترین اعمال در نظر امام محمد باقر علیه السلام بود تا جایی که ایشان وصیت کرده بودند که پس از مرگ پیکر مطهرشان را در همان جامه ای به خاک بسپارند که با آن نماز می خواندند.

دوستی با نمازگزاران و کسانی که از فرامین خداوند اطاعت می کنند:

امام محمد باقر علیه السلام، شاگردان بسیاری تربیت کردند. یکی از شاگردان خاص امام، جابر بن یزید جعفی است که مدت هجده سال در محضر امام باقر(ع) به علم آموزی پرداخت. هنگامی که برای خداحافظی و بازگشت به موطن و ولایت خویش خدمت حضرت رسید، برای آخرین بار نصیحتی از امام باقر علیه السلام در خواست نمود. امام به او فرمود: ای جابر، به دوستداران و شیعیان ما سلام برسان و بگو بین ما و پروردگار هیچ رابطه فامیلی و خویشاوندی نیست. ای جابر، هر کسی که خدا را اطاعت کند و ما را دوست بدارد، از اولیای خدا و دوستان ما خواهد بود و هر که نافرمانی خدا را کند، دوستی ما هم برای او بهره ای نخواهد داشت.

بدیهی است که نماز به عنوان اولین عملی که مورد سنجش قرار می گیرد مصداق بارز اطاعت از فرامین خداوند متعال است. کسانی که ادعای دوستی اهل بیت علیهم السلام را دارند، باید توجه داشته باشند که بهای دوستی و محبت امام باقر علیه السلام طبق این روایت، اطاعت از خداست و اولین عملی که باید در مسیر اطاعت خدای تعالی انجام دهیم، برپاداشتن و مواظبت از فریضه ی نماز است. نماز، سندی است دال بر بندگی و اطاعت پروردگار و محبت و دوستی ائمه اطهار علیهم السلام.

رهایی از غفلت با محافظت از نماز:

امام باقر علیه السلام فرمودند: «ایما مؤمن حافظ علی الصلوات المفروضه فصلاها لوقتها فلیس هذا من الغافلين»؛ هر مؤمنی که بر نمازش محافظت نماید و آن را در وقتش به جا آورد، از انسانهای غافل شمرده نمی شود. چرا که خاصیت نماز غفلت زدایی است. وقتی که شخص با ایمانی پنج نوبت در شبانه روز قامت به نماز می بندد و پس از حمد و ثنای خداوند و اقرار به بزرگی و عظمت کردگار، درخواست نعمت و هدایت و رهایی از غضب الهی می نماید و بر یگانگی او شهادت می دهد، خود را در سرچشمه ی پاکی و طهارت شستشو داده و از آلودگی ها و غبار غفلت می رھاند.

توصیه به نماز جماعت:

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «من ترک الجماعة (غبه عنها) عن جماعة المسلمين من غیر علیه فلا صلاه له»؛ کسی که از روی بی میلی، بدون عذر و علت، نماز جماعت را که اجتماع مسلمانان است ترک کند، نمازی برای او نیست.

سجده های طولانی در نماز:

نزدیکترین حالت بنده به پروردگار، حالت سجده است. بر همین اساس است که می بینیم امام باقر علیه السلام همواره در حال سجود، روح و قلب و حواس خود را به سوی معبود روانه کرده و حضرت حق را با دل بریدن و انقطاع کامل از مادیات دنیا و منعطف کردن دل و روح به سوی پروردگار، به مناجات می نشستند. از همین روست که در کتب ادعیه، مناجات ها و دعاها ی بسیاری برای سجده های امام باقر علیه السلام نقل گردیده است. از آن جمله:

اسحاق بن عمار از قول امام صادق علیه السلام روایت کرده است که ایشان فرمودند: من همیشه رختخواب پدرم را آماده می کردم و به انتظار آمدن ایشان می نشستم. وقتی که آن حضرت به رختخواب می آمدند و به خواب می رفتند، من به رختخواب خود می رفتم و می خوابیدم. یک شب آمدن آن حضرت به رختخواب به طول انجامید. من به جستجوی پدرم به مسجد رفتم. در آن وقت شب، همه ی مردم به خواب رفته بودند و کسی در مسجد نبود. دیدم که ایشان در مسجد و در حال سجود است. من صدای ناله پدرم را شنیدم که در حال سجده می فرمود:

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ، أَنْتَ (بِی مَقَامًا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبَّدًا وَ (قَا، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفْهُ لِي.. اللَّهُمَّ قَنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ، وَ تَبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّمِيمِ.

خداوندا تو پاک و منزّهی، خداوندا تو به حقیقت و حقیقت پروردگار منی، خداوندا سجده من بر تو از روی تعبد و بندگی است، خدایا، اعمالم در برابر ذات مقدّس تو ضعیف و کم است. تو آنها را به لطف و کرمّت برایم زیاد کن.

خداوندا مرا از عذاب روز قیامت، همان روزی که بندگان را در پیشگاه خود به پا می داری حفظ کن و توبه مرا بپذیر
به درستی که تو توبه پذیرِ مهربانی.

ابو عبیده حذاء روایت می کند که از امام محمد باقر علیه السلام در حال سجود شنیدم که می فرمود:

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا بَدَّلْتَ سَيِّئَاتِي حَسَنَاتٍ، وَحَاسِبْتَنِي حَسَابًا يَسِيرًا.

خدایا تو را به حقّ حبیبیت محمد صلی الله علیه و اله سوگند می دهم که گناهان مرا به حسنات مبدل نمایی و به وقت
حسابرسی، حساب را بر من آسان بگیری.

سپس شنیدم که ایشان در ذکر دومین سجده خود فرمودند:

أَسْأَلُكَ بِمَقِّ مِیْبِیْکَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا مَا كَفَيْتَنِي مَوْئِنَهُ الدُّنْيَا، وَكُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ.

خدایا تو را به حقّ حبیبیت محمد صلی الله علیه و اله سوگند می دهم که مرا از طلب زاد و توشه دنیایم کفایت کنی و از
هر بلا و اندوهی که عاقبت و فرجامی جز بهشت داشته باشد.

سپس امام باقر علیه السلام برای سومین بار به سجده رفته و در ذکر سجود خود فرمودند:

أَسْأَلُكَ بِمَقِّ مِیْبِیْکَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا غَفَرْتَ لِي الْكَثِيرَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْقَلِيلِ، وَقَبَلْتَ مِنِّي عَمَلِي الْيَسِيرَ.

خداوندا تو را به حقّ حبیبیت محمد صلی الله علیه و اله سوگند می دهم که گناهان مرا از کم یا زیاد بیامرزی و عملم
را اگرچه کم و ناچیز است از من قبول نمایی.

سپس آن حضرت برای بار چهارم به سجده رفته و در ذکر سجود خود به محضر خداوند متعال عرضه داشتند که:

أَسْأَلُكَ بِمَقِّ مِیْبِیْکَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا أَدْفَلْتَنِي الْجَنَّةَ، وَبَعَلْتَنِي مِنْ سَكَانِهَا، وَلَمَّا نَجَيْتَنِي مِنْ سَفَعَاتِ
النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

خداوندا از تو می خواهم که به حقّ حبیبیت محمد صلی الله علیه و اله، مرا وارد بهشت کرده و از ساکنان آن قرار دهی
و به لطف و رحمت خود مرا از شراره های داغ آتش جهنّم برهانی و بر محمد و آلش درود فرستی.

نماز یکی از پایه های اصلی اسلام:

طبق روایات و احادیث، نماز ستون دین و یکی از پایه های مستحکم اسلام است. چنانچه امام باقر علیه السلام فرمود:
دین اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت؛ و بر هیچ چیز به اندازه ولایت تأکید نشده است

ایشان در روایت دیگری فرمودند: نماز ستون دین است، مثل نماز همانند عمود و ستون خیمه است که هرگاه ستون ثابت باشد، طناب ها و میخ ها و پرده آن ثابت است، هنگامی که ستون آن معیوب و سست شود هیچ کدام از آنها استوار نمی ماند.

نماز ریشه اسلام:

حضرت امام باقر علیه السلام با ناراحتی به جماعت حاضر در بازار می نگریست. وقت نماز بود و امام، برای رفتن به مسجد آماده می شدند، ولی از آنچه در راه می دیدند، ناراحت می شدند. عده ای از مسلمانان بدون توجه به صدای اذان که از مسجد شنیده می شد، به کار و معاملات خود مشغول بودند. گویی اصلاً صدای اذان را نمی شنیدند. امام باقر علیه السلام، گاهی ایستاده و به بعضی از این اشخاص نگاهی می کردند و با خود می گفتند: «گویا این مردم هنوز از اهمیت بالای نماز بی خبرند که این چنین در برابر ندای حی علی الصلاة بی تفاوتند.» گاهی با عده ای از آنان هم کلام می شدند و اهمیت نماز را به آنان خاطر نشان می شدند.

یکی از این ایام، ایشان در راه رفتن به مسجد، یکی از شاگردان خویش را دیدند. آن مرد احادیث و سخنان بسیاری را از حضرت امام باقر شنیده بود. او راوی و نویسنده احادیث امام بود. با دیدن امام بسیار شادمان شد و خود را به ایشان رساند، ولی آن حضرت را ناراحت و غمگین دید.

وی خواست تا سبب ناراحتی امام را جویا شود. امام باقر علیه السلام، قبل از هر توضیحی، فرمودند: «می خواهم جمله ای بگویم تا آن را نوشته و برای دیگران روایت کنی تا ماندگار شود و همگان از اهمیت آن مطلع شوند.»

آن مرد منتظر بود تا امام، سخن مهمش را بگوید. امام با خود می اندیشید که جمله ای درباره اهمیت بسیار نماز بگوید، ولی در نظر داشت که در کنار بیان اهمیت نماز، به زکات و جهاد نیز اشاره نماید.

به همین منظور از شاگرد خود پرسید: «آیا می خواهی ریشه و شاخه بلندترین قله دین اسلام را به تو نشان دهم؟» آن مرد گفت: «سراپا گوشم، بفرمایید ای فرزند رسول خدا!» امام فرمود: «ریشه دین اسلام نماز است و شاخه اش زکات و قله مرتفع آن جهاد است.» شاگرد آن مرد از شنیدن این جمله کوتاه و پر بار بسیار خرسند شد و این کلام را در دل و جان خویش جای داد تا زمانی که آن را به دیگران برساند

نماز مخصوص امام محمد باقر علیه السلام

نماز امام باقر علیه السلام مانند سایر نمازهای مستحبی، دو رکعت است که در هر رکعت یک بار سوره حمد و صد مرتبه ذکر تسبیحات اربعه (سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ) قرائت می شود.

دعای بعد از خواندن نماز امام باقر علیه السلام

شایسته است بعد از نماز، این دعا را بخواند:

اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ یا مَلِیْمُ ذُو اَنَاهٍ غَفُوْرٌ وَدُوْدٌ اَنْ تَتَجَاوَزَ عَنْ سَیِّئَاتِیْ وَ مَا عِنْدِیْ بِمُسْنٍ مَا عِنْدَکَ وَ اَنْ تُعْطِیْنِیْ مِنْ عَطَائِکَ مَا یَسْعُنِیْ وَ تُلْهَمْنِیْ فِیْمَا اَعْطِیْتَنِی الْعَمَلَ فِیْهِ بِطَاعَتِکَ وَ طَاعَةِ (سُوْلَکَ) وَ اَنْ تُعْطِیْنِیْ مِنْ عَفْوِکَ مَا اَسْتَوْجِبُ بِهٖ کِرَامَتِکَ اَللّهُمَّ اَعْطِنِیْ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَ لَا تَفْعَلْ بِیْ مَا اَنَا اَهْلُهُ فَانَّمَا اَنَا بِکَ وَ لَمْ اُصِبْ فِیْرًا قَطُّ اِلَّا مِنْکَ یا اَبْصَرَ الْاَبْصَرِیْنَ وَ یا اَسْمَعَ السَّمَاعِیْنَ وَ یا اَمَّکَمَ الْمَکَمِیْنَ وَ یا جَارَ الْمُسْتَجِیْرِیْنَ وَ یا مُجِیْبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّیْنَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ.

خدایا از تو درخواست می کنم ای بردباری که (با بندگان) مدارا کنی و همواره آمرزنده و مهربانی . اینکه از گناهانم و بدی هایی که در نزد من است به سبب خوبی هایی که نزد تو است در گذری و از عطای خود به اندازه ای که مرا فرا گیرد (یا آن چه در حد توان من است) به من عطا کنی و الهام کنی مرا که در آن چه به من عطا کرده ای، در راه اطاعت از تو و رسالت بکار برم و بدان اندازه مرا مشمول عفو و گذشت خود قرار دهی که به سبب آن شایسته کرامت و بزرگواریت گردم. خدایا به من عطا فرما آن چه را که تو شایسته آنی و مکن با من آن چه که من سزاوار آن هستم زیرا که تنها من به تو توسل جسته و هرگز خیری به من نرسیده جز از ناحیه ی تو، ای بیناترین بینایان و ای شنواترین شنوایان و ای عادل ترین داوران و ای پناه پناه جویان و ای پاسخ دهنده دعای درماندگان. درود فرست بر محمد و آل محمد

گوشه ای از ویژگی های شخصیتی و اخلاقی امام(ع)

در منابع تاریخی، توصیفاتی از ویژگی های شخصیتی و اخلاقی امام باقر(ع) ذکر شده که بسیار خواندنی است.

کار کردن امام:

امام باقر(علیه السلام) همیشه خدمتکارانش را در کارهای دشوار یاری می کرد. همچنین نقل شده که آن حضرت ابایی از کار کردن در مزرعه و کشاورزی نداشتند. ایشان با صراحت، در پاسخ کسی به نام محمد بن منکدر که با اعتراض و شماتت، از ایشان سؤال کرده بود که اگر در این حال کشاورزی، اجل شان فرا برسد، چه خواهند کرد؟ فرمود: «اگر در این حالی که هستم اجلم سر رسد، در حالی که در اطاعت خدا بوده ام از دنیا رفته ام. من با کار کردنم، خودم و عیالم را از محتاج بودن به تو و به مردم حفظ می کنم. وقتی از سر رسیدن اجل هر اسناک خواهم بود که اجل مرا در حال نافرمانی خدا دریافته باشد» این نشان دهنده اهمیت بی نیاز شدن از مردم در عین اطاعت از فرامین الهی است.

صله رحم و دست گیری از نیاز مندان:

امام باقر(علیه السلام) هیچ وقت از رفت و آمد خویشان و بستگانش ناراحت نمی شد و همیشه با پذیرایی های درخور از آن ها استقبال می کرد و از بخشش مال و لباس های نیکو به آنها دریغ نمی ورزید. او این رویه پربخشش و عطا را در مواجهه با کسانی که به امیدی نزدش می آمدند نیز داشت. برای مثال از اسود بن کثیر نقل شده است که گفت وقتی نزد امام از فقر و جفای برادرانم شکایت نمودم، ایشان ۷۰۰ درهم به من عطا کردند و گفتند: «هر گاه این مبلغ تمام شد، مرا مطلع کن

عبادت کردن امام باقر(ع):

در توصیف عبادت امام باقر(علیه السلام) همین بس که ذهبی، محدث و تاریخ نگار بزرگ اهل سنت نقل کرده است که آن حضرت ۱۵۰ رکعت نماز در هر شبانه روز اقامه می کرد و وصیت کرده بود پیکر مطهرشان را پس از مرگ در همان جامه ای به خاک بسپارند که با آن نماز می خواند. از قول یکی از موالیان آن حضرت نقل شده است که فرمود هنگامی که در سفر حج باهم وارد مسجدالحرام شدیم، چون حضرت به کعبه نگریستند، با صدای بلند گریستند و فرمودند: «... چرا گریه نکنم شاید خداوند از این گریه بر من نظر رحمت نماید تا بتوانم به توسط آن فردای قیامت رستگار شوم». بعد از آن حضرت شان به طواف و نماز مشغول شدند و چون سر از سجده برداشتند، محل سجودشان از اشک چشم مرطوب شده بود.

آن حضرت دائم الذکر بودند به گونه ای که به تعبیر امام صادق(علیه السلام) «وقتی همراه او راه می رفتم او مشغول یاد خدا بود و چون بر سفره غذا مشغول خوردن غذا بودیم باز هم از یاد خدا غافل نبود. با مردم سخن می گفت، ولی این روابط اجتماعی نیز او را از یاد الهی دور نمی داشت و زبانش همواره به گفتن «لا اله الا الله» مترنم بود. همیشه ما را فراخوانده و از ما می خواست تا طلوع خورشید مشغول یاد و ذکر خدا باشیم و به آن گروه از اعضای خانواده که قادر به قرائت قرآن بودند، خواندن قرآن را توصیه می کرد و آن گروه که قادر به تلاوت قرآن نبودند، دستور می داد که ذکر خدا را بر لب جاری کنند

حلم و بردباری امام

توجه به یک روایت تاریخی می تواند یاری گر ما برای اطلاع نسبی از صفت حلم و بردباری نزد باقر(علیه السلام) باشد. مردی از اهل شام ساکن مدینه بود و وقتی با اما مواجه می شد، به ایشان اهانت می کرد. مثلاً خطاب به آن حضرت می گفت: «از اهل دنیا، بیشتر از تو از کسی کینه در دل ندارم و بیش از تو و خاندانت، با هیچ کس دشمن نیستم». با این وجود امام با او مدارا می کرد و پاسخ این اهانات را با سخنان نرم می داد. پس از چندی آن مرد شامی بیمار شد. وصیت

کرد اگر مرد، امام بر جنازه اش نماز بخواند. نیمه شبی بود که گفته شد آن مرد شامی از دنیا رفت. صبح روز بعد کسی به مسجد آمد و وصیتش را به اطلاع امام رساند. امام اما فرمود: آن مرد نمرده. اندکی صبر کنید تا من بر سر بالینش حاضر شوم. امام به منزلش رفت و بار بالینش نشست و صدایش زد. او به هوش آمد و پاسخ امام را داد. امام نوشیدنی به او داد و به بستگانش سفارش کرد غذاهای سرد به او بدهند. اندکی نگذشت که آن مرد شامی شفا یافت و نزد امام آمد و اعتراف کرد که امام، همان حجت خدا بر زمین است.

الإمام الباقر عليه السلام : إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ ، فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا

امام باقر علیه السلام : نخستین چیزی که بنده برای آن حسابرسی می شود نماز است ؛ اگر پذیرفته شد سایر اعمالش هم پذیرفته می شود

سجده های پر از اشک امام محمد باقر علیه السلام

افلح، غلام حضرت امام محمد باقر علیه السلام، می گوید: با مولایم به مکه رفتیم. وقتی داخل مسجد الحرام شدیم و چشم امام به خانه خدا افتاد، صدای گریه اش بلند شد.

من گفتم: «پدر و مادرم فدای شما! مردم شما را نگاه می کنند. خوب است صدای خود را کمی پایین بیاورید.»

امام فرمود: «وای بر تو، ای افلح! چرا گریه نکنم؟ گریه می کنم تا شاید خداوند به من نظر رحمت افکند و فردای قیامت سعادت مند شوم.»

سپس به طواف خانه خدا پرداخت و پشت مقام ابراهیم به نماز ایستاد. وقتی سر مبارکش را از سجده برداشت، دیدم سجده گاهش از اشک چشمانش خیس شده است.

۲- حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «پدرم در نیمه های شب به درگاه خداوند تضرع و زاری می کرد و عرضه می داشت: «خداوند! مرا امر کردی، من فرمان نبردم. مرا نهی کردی، دست برنداشتم. اینک این منم، بنده ی تو که هیچ عذری در پیشگاهت ندارم.»

احادیث امام باقر (ع):

ثَلَاثَةٌ مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ: شِبَعَةُ جُوعَةِ الْمُسْلِمِ وَ تَنْفِيسُ كُرْبَتِهِ وَ تَكْسُو عَوْرَتَهُ

سه چیز از برترین اعمال است: سیر کردن گرسنگی مسلمان، زدودن غم مسلمان، پوشاندن زشتی و عیب او.

مصادقة الأخوان، ص ۴۴

مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ مَا عِنْدَهُ.

هیچ چیز در نزد خدا آن قدر مطلوب و محبوب نیست که آنچه نزد اوست از وی درخواست و تقاضا شود.

المحاسن، ص ۲۹۲، جامع الاحادیث، ص ۱۸۳.

ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهِنَّ رُخْصَةً: أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ
كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ

سه چیز است که خدای عزوجل به هیچ کس رخصت و اجازه نقض آن را نداده است:

۱. ادای امانت به نیکوکار و بدکار.

۲. وفای به پیمان در برابر نیکوکار و بدکار.

۳. خوش رفتاری و نیکی نسبت به پدر و مادر، چه نیک باشند و چه بدکار.

اصول کافی، ۳، ص ۲۳۶

نماز جمعه از منظر امام باقر (ع)

امام محمدباقر (ع) در دوران امامت خود، به نشر و گسترش معارف دین به ویژه فقه و احکام اسلامی پرداخت و ضمن حل مشکلات علمی، به تعلیم و تربیت شاگردانی فاضل و آگاه مانند: محمد بن مسلم، زرارة بن اعین، ابونصیر، هشام بن سالم و جابر بن یزید و حمران بن اعین و برید بن معاویه عجل، همت گماشت.

آوازه علوم و دانش او چنان در اطراف و اکناف پیچیده بود که ملقب به باقرالعلوم؛ یعنی شکافنده دانش ها گردید. یکی از علمای بزرگ سنی به نام ابن حجر هیثمی درباره او می نویسد: «محمد باقر به اندازه ای گنج های پنهان معارف و دانش ها را آشکار ساخته، حقایق احکام و حکمت ها و لطایف دانشها را بیان نموده که جز بر عناصر بی بصیرت یا بد سیرت پوشیده نیست و از همین جاست که وی را شکافنده دانش و جامع علوم و برافروزنده پرچم دانش خوانده اند»

در عصر امامت امام باقر (ع) خلفا به این نتیجه رسیدند، که سختگیری های شدید، نتیجه عکس می دهد و تدریجاً سیاست خلفا در قبال ائمه (ع) تغییر کرد، به گونه ای که سلیمان بن عبدالملک به محض آن که در سال ۹۶ به حکومت رسید، فشار بر ائمه و پیروان آنها را کم کرد و هزاران زندانی را که حجاج بن یوسف ثقفی به زندان افکنده بود، آزاد کرد.

پس از سلیمان در سال ۹۹ عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید و آزادی نسبی فراوان داد. وی در مدت خلافت خود سه کار مهم انجام داد: سبّ امام علی (ع) را ممنوع کرد، ممنوعیت نوشتن احادیث پیامبر (ص) را برداشت و فدک را به فرزندان حضرت زهرا (س) برگرداند.

پس از عمر بن عبدالعزیز نیز آزادی‌ها نسبتاً ادامه یافت. امام باقر (ع) از این فرصت استفاده کرد و شروع به نشر حدیث خود و پدران خویش کرد. مردم در خانه حضرت و در مسجد پیامبر (ص) و نیز در ایام حج، بر گرد ایشان جمع می شدند و حضرت از مسائل اعتقادی گرفته تا مباحث اخلاقی و مباحث فقهی، همه را برای آنان حدیث می کردند. البته از آنجا که مسائل فقهی بیشتر در جامعه مورد ابتلا بود و این دسته مباحث، مورد نیاز مسلمانان آن زمان، بود، تعداد قابل ملاحظه‌ای از روایات امام باقر (ع) نیز به سوی مباحث فقهی جهت پیدا کرده است.

در این راستا آن حضرت بابره گیری از الهامات الهی و کتب آسمانی، برای زندگی دنیایی و اخروی مابرنامه‌ها و راهکارهایی را ارائه کرده که همواره راهگشا بوده و هست.

این ایام را بهانه‌ای می کنیم تا برخی از سفارشات امام باقر (ع) را مرور کنیم و آن را مایه حیات ابدی خود قرار داده و چراغی برای طی نمودن مسیر سعادت دنیا و آخرت خود قرار دهیم؛ زیرا مهمتر از دانستن تاریخ زندگانی ائمه (ع)، آشنا بودن با دستورات آنها و هر آنچه که از ما می خواستند، می باشد.

یکی از آن دستورات، مسأله بسیار مهم «نماز جمعه» است. روایات متعدد صحیح السند و دقیقی از آن حضرت در این باره نقل شده است. ما آن روایات را در سه بخش بیان می کنیم:

الف) بیان اهمیت و وجوب نماز جمعه در کلام امام باقر (ع)

در شریعت اسلام سه اجتماع بزرگ از اهمیت ویژه برخوردارند:

اجتماعات روزانه که در نماز جماعت حاصل می شود.

اجتماعات سالیانه که در ایام حج و در کنار خانه خدا انجام می گیرد.

اجتماع هفتگی که در مراسم نماز جمعه تشکیل می گردد.

در این میان نقش نماز جمعه بسیار مهم است و حضور افراد برای تشکیل آن واجب می باشد و از افرادی که به آن اهمیت ندهند به بدی یاد می شود.

امام باقر (ع) درباره نماز جمعه می فرماید: «صَلَاةُ الْجُمُعَةِ فَرِيضَةٌ وَالْإِجْتِمَاعُ إِلَيْهَا فَرِيضَةٌ مَعَ الْإِمَامِ نَماز جمعه واجب است، و اجتماع کردن برای خواندن آن با امام نیز واجب می باشد.»

همچنین آن حضرت در روایت دیگری می فرماید: «إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ فَمَسًّا وَثَلَاثِينَ صَلَاةً مِنْهَا صَلَاةٌ وَآمِدَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي جَمَاعَةٍ وَهِيَ الْجُمُعَةُ؛ خداوند از این جمعه تا آن جمعه سی و پنج نماز را بر مردم واجب کرده است. در میان آنها نمازی است که به جماعت واجب شده (یعنی فرادایش باطل است) و آن نماز جمعه است.»

شرط صحت این نماز آن است که به جماعت اقامه شود.

در روایتی نیز از ایشان نقل شده: «الْجُمُعَةُ وَآمِيَةٌ عَلَى مَنْ إِنْ صَلَّى الْغَدَاةَ فِي أَهْلِهِ أَدْرَكَ الْجُمُعَةَ؛ نماز جمعه بر هر کس که نماز صبح را پیش خانواده خود خوانده و جمعه را درک کند واجب است.»

با توجه به این روایات و آیات قرآن کریم برخی از مراجع کنونی عظام تقلید نیز حکم به وجوب تعیینی نماز جمعه در عصر حضور و در زمان غیبت امام نیز حکم به واجب تخییری بودن نماز جمعه داده اند و از این طریق به نوعی اهمیت و ضرورت حضور نماز جمعه را بیان می کند.

مقام معظم رهبری زیده عزه: «هرچند نماز جمعه در عصر حاضر واجب تخییری است و حضور در آن واجب نیست، ولی با توجه به فواید و آثار شرکت در آن، سزاوار نیست که مؤمنین خود را از برکات حضور در این نماز به مجرد تشکیک در عدالت امام جمعه و یا عذرهای واهی دیگر، محروم سازند.»

ایشان در پاسخ سؤال دیگری چنین مرقوم می دارند: «معنای واجب تخییری بودن نماز جمعه آن است که مکلف در ادای فریضه واجب ظهر روز جمعه بین خواندن نماز جمعه یا نماز ظهر مخیر است.»

اصل نماز جمعه در زمان پیامبر اسلام (ص) هم وجود داشته و از آنجا که در مدینه حکومت بر مسلمانان در اختیار پیامبر (ص) بود، نماز جمعه رونق خاصی داشت. بر همین اساس برخی از آیات نیز درباره نماز جمعه نازل شده است.

روزی زراره و محمد بن مسلم نزد حضرت باقر (ع) رفتند و از تفسیر قول خداوند که در آیه: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى نَمازها و نماز وسطی را محافظت نمایید.» سؤال نمودند.

حضرت در پاسخ آنان فرمودند: «نماز وسطی نماز ظهر است و در ظهر (روز جمعه) خداوند نماز جمعه را واجب ساخته و در روز جمعه ساعتی است که بنده مسلمانی نیست که خیری را طلب نماید جز اینکه خداوند آن را به وی عنایت فرماید.»

نقل شده روز جمعه ای بود که مسلمانان برای برپایی نماز جمعه به امامت پیامبر (ص) جمع شده بودند و پیامبر (ص) مشغول ایراد خطبه نماز جمعه بودند. خبر آوردند که یک قافله تجاری به مدینه آمده است. دحبه

کلبی که تاجری بود، از شام مقداری گندم، آرد و جو برای تجارت آورده بود، عده ای پیش روی کاروان تجاری طبل می کوبیدند تا مردم، از آمدن کاروان تجاری آگاه شوند.

از آنجا که قحطی و کمبود غذا مدینه را فرا گرفته بود، و گرسنگی و تهی دستی فشار سختی بر مردم مدینه وارد ساخته بود، اغلب مسلمانان حاضر در نماز جمعه پیامبر (ص)، از مسجد بیرون آمدند و تنها تعداد اندکی باقی ماندند. زیرا مردم فکر می کردند اگر در نماز جمعه باقی بمانند طعام و آذوقه ای نصیب آنها نمی شود!

پیامبر (ص) با دیدن این منظره فرمودند: به خدایی که جانم در دست اوست، اگر شما چند نفر هم از مسجد بیرون می رفتید و کسی در مسجد نمی ماند، آتش (و قهر الهی) سراسر بیابان را فرا می گرفت و شما را به کام خود فرو می کشید. بنا بر نقل دیگری فرمودند اگر اینها نمی ماندند از آسمان سنگ بر سر آنها می بارید.

در این هنگام جبرئیل امین فرود آمد و آیه یازدهم سوره جمعه را نازل کرد: «وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَ تَرَكَوْكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَ مِنَ التِّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛ هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند (صدای طبلی بشنوند) پراکنده می شوند و به سوی آن می روند و تو را ایستاده به حال خود رها می کنند بگو: آنچه نزد خداست بهتر از لهو و تجارت است، و خداوند بهترین روزی دهندگان است.»

زراره می گوید نزد امام باقر (ع) رفتم و از آن حضرت پرسیدم: نماز جمعه بر چه کسانی واجب می شود؟

امام باقر (ع) در جواب فرمودند: «هرگاه هفت نفر جمع شدند، نماز جمعه واجب می شود و این نماز با کمتر از پنج نفر که یکی از آنها پیشنماز است، بر پا نمی شود»

علی اکبر اصغر زاد فیاض یکی از آزادگان سرافراز است. ایشان می گوید بعد از مدتی که در اردوگاه ۱۱ تکریت بودیم و بسیار بر ما سخت می گرفتند، به دلایلی ما را به اردوگاه ۱۸ بعقوبه انتقال دادند. مقداری فضای اردوگاه جدید بهتر بود. وقتی دیدیم فضای اردوگاه جدید با اردوگاه ۱۱ تکریت، فرق می کند و اینجا آزادی وجود دارد و اسرا در حال و هوای دیگری هستند، بچه های ما شروع کردند به جذب بچه های جدید. یکی یکی این ها را کشیدیم به طرف خودمان. نماز یادشان دادیم، از آن حال و هوای زندانی بودن درشان آوردیم، و آنها را توی فضای اسارت آوردیم.

از این جا نماز خواندن ها یکی یکی شروع شد، تا کار به جایی رسید که نماز جمعه برپا کردیم. نماز جمعه ای آن جا خواندیم که امام جمعه اش حاج آقا علی باطنی بود. چقدر بزرگ و باشکوه بود نمازی که جلوی چشم عراقی ها خواندیم. تمام عراقی ها از وحشت جمع شده بودند پشت سیم خاردار و با اسلحه و خیره نگاه مان می کردند.

چه قدر زیباست اهتمام به نماز جمعه در آن شرایط سخت و چه قدر زشت و ناپسند است، بی توجهی به نماز جمعه در این روزگار با همه امکانات و شرایط عالی. و شاید سالها بر کسی بگذرد و به نماز جمعه نرود.

امام باقر(ع) می فرمایند: «به خدا سوگند، به من خبر رسیده است که اصحاب پیامبر (ص)، از روز پنجشنبه برای نماز جمعه آماده می شدند، چون روز جمعه برای مسلمانان کوتاه است.»

این قدر نماز جمعه مهم است که یاران پیامبر (ص) از شب جمعه خود را آماده نماز جمعه می کردند. یعنی فردی که لباس هایش تمیز نبوده آنها را می شسته، کسی که مرکب نداشته، مرکب آماده می کرده، دیگری قول و قرارهایش را آنگونه تنظیم می کرده که مانع حضور در نماز جمعه نشود، آن یکی کسب و کارش را تعطیل می کرده است.

امام صادق (ع) می فرماید: «أَنَّ عَلِيًّا عَ نَهَى أَنْ يُشْرَبَ الدَّوَاءُ يَوْمَ الْخَمِيسِ مَخَافَةَ أَنْ يَضْعَفَ عَنِ الْجُمُعَةِ هَمَانَا عَلِي (ع) روز پنجشنبه از مصرف دواهایی که ممکن است در روز جمعه ضعف بیاورد نهی می کردند.»

یعنی غذا و داروهایی که مایع جان اما سبب ضعف در جمعه است را نهی کرده است، برای این که به نماز جمعه برسند. پس چه خوب است که ما هم قرارها را طوری تنظیم کنیم که مانع حضور در نماز جمعه نشود.

یاران پیامبر (ص) و ائمه (ع) از روز پنج شنبه خود را آماده شرکت در نماز جمعه می کردند. اما مردم زمان ما چطور؟! از صدا و سیما گرفته تا سازمان پارکها و شهرداری ها و راهداری ها و راهنمایی و رانندگی و ... همه و همه از چهارشنبه، روی بحث سفرهای آخر هفته و گردشگری و تفریح و تعطیلی مانور می دهند و حتی یک بار هم اسمی از نماز جمعه و آمادگی برای آن به میان نمی آورند!

ب) بیان آثار شرکت در نماز جمعه در کلام امام باقر (ع)

هریک از احکام نورانی و دستورات اسلام عامل رشد و تکامل انسانها است و اثراتی که در انجام دادن آنها مشاهده می شود بیانگر اهمیت احکام است. نماز جمعه یکی از فرائض مهمی است که در رشد و تکامل شخصیت انسان نقش بسیار ارزنده و مهمی دارد و مهمتر اینکه بعد عبادی در رابطه با خداوند مطرح شده و تاثیر بسیار فراوان و ژرفی در رشد شخصیت انسان دارد.

برخی از روایات امام باقر (ع) که آثار و برکات شرکت در نماز جمعه را بیان می کند مرور می کنیم تا وقتی به نماز جمعه می رویم با عشق بیش تری برویم. قدرش را بیشتر بدانیم:

امام باقر (ع) می فرمایند: «فرشتگان مقرب خداوند هر جمعه از آسمان فرود می آیند و کاغذهایی از نقره و قلمهایی از طلا همراه دارند. مقابل درب مسجد بر تختهایی از نور می نشینند. هر کسی در نماز جمعه شرکت کند، به ترتیب ورود می نویسند تا آنگاه که نماز جمعه تمام شود و امام جمعه بیرون آید.»

همچنین آن حضرت در روایتی دیگر فرموده است: «خداوند جمعه را بر دیگر روزها برتری داده است: بهشت در روز جمعه زینت و آرایش می شود و شما به اندازه سبقتی که به سوی نماز جمعه داشته اید به دخول در بهشت سبقت می گیرید، و درهای آسمان برای بالا رفتن اعمال بندگان (در این روز) باز می شود.»

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «خطاب به مومنی که به ایشان عرض کرد بارها عزم رفتن به حج نموده ام ولی توفیق عاید نشده است، فرمود: بر تو باد که پیوسته در نماز جمعه حضوریابی که آن حج مستمندان است.»

از امام باقر (ع) چنین روایت شده: «إِنَّ اللَّهَ أَكْرَمَ بِالْجُمُعَةِ الْمُؤْمِنِينَ، فَسَنَّهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) بَشَارَةً لَهُمْ، وَالْمُنَافِقِينَ تَوْبِيخًا لِلْمُنَافِقِينَ، وَلاَ يَنْبَغِي تَرْكُهَا، فَمَنْ تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا، فَلَا صَلَاةَ لَهُ نَماز جمعه سنتی است از پیامبر اسلام، بشارتی است برای مؤمنان و توبیخی است برای منافقان هر کسی عمداً آن را ترک کند، نمازی برای او نیست.»

نماز جمعه بشارت است برای مومنان و این بزرگترین اثر نماز جمعه است. ولی در ادامه روایت می فرماید: «کسی که نماز جمعه نرفت نمازی برای او نیست» البته این حدیث به این معنا نیست که اگر نماز جمعه نرفت، دیگر لازم نیست نماز بخواند یا لازم نیست حج برود. بلکه به معنای آن است که نمازش آن خاصیتی که باید داشته باشد ندارد. مثل گوستی که می گویند ممکن است خاصیتش را از دست داده باشد. مثل انگور پلاستیکی که رانندگان جلوی شیشه ماشین می گذارند، شکل زیبایی دارد ولی خاصیت ندارد.

ج: عواقب ترک نماز جمعه در کلام امام باقر (ع)

آن حضرت در روایتی می فرماید: «إِنْ تَرَكَ رَجُلٌ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ ثَلَاثَ جُمُعٍ فَقَدْ تَرَكَ ثَلَاثَ قَرَأِضٍ وَلاَ يَدْعُ ثَلَاثَ قَرَأِضٍ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ إِلَّا مُنَافِقٌ پس هر مردی که، بدون عذری، سه نماز جمعه را ترک گوید، سه فریضه را ترک کرده است و کسی جز منافق سه واجب را بدون علت ترک نمی کند.»

ابابصیر و محمد بن مسلم هر دو از امام باقر (ع) با سند صحیح نقل می کنند که آن حضرت فرمودند: «مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثَ جُمَعٍ مُتَوَالِيَةٍ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ كَسَى كَسَى» که سه جمعه پشت سر هم نماز جمعه را ترک کند خداوند بر دل او مهر می زند تا هدایت نیابد.

بنابراین روایت کسانی که در نماز جمعه شرکت نمی کنند، خدا هدایتش را از آنها باز می دارد.

مهر بر قلب می خورد یعنی چه؟ یعنی انسان دیگر واقعیات را نمی فهمد. مهر به قلبش خورده است یعنی قلب او مثل جایی شده که درش بسته شده است.

انسانی که بر قلب مهر بزنند دیگر واقعیات و معجزات حق را نمی بیند. و همین سبب گمراهی او می شود.

از پیامبر اسلام (ص) نیز روایت شده: «بدانید که خداوند متعال نماز جمعه را بر شما واجب ساخته است، پس آنان که در زندگی و پس از مرگ من، از روی سبک شمردن و یا انکار، آن را ترک کنند، با وجود این که پیشوای عادل دارند، خداوند وحدتشان نبخشد و در کارشان برکت ندهد، آگاه باشید نه زکات، نه نماز، نه حج و نه روزه آنان پذیرفته نیست. بدانید که زندگی آنان برکتی نخواهد داشت، مگر توبه کنند».

لحظات آخر عمر بابرکت امام باقر (ع)، فرا رسیده بود، امام صادق (ع) فرمودند: «پدرم آنچه در آنجا بود (از کتب و نشانه های امامت) به من سپرد و چون وفاتش نزدیک شد، فرمودند: گواهانی نزد من آور، من چهار تن از قریش را که نافع - غلام عبد الله بن عمر - در میان آنها بود حاضر کردم، پس فرمودند بنویس: اینست آنچه یعقوب به پسرانش وصیت کرد. «يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» خدا برای شما این دین را برگزید، پس نمیرید جز اینکه مسلمان باشید» و محمد بن علی به جعفر بن محمد وصیت کرد و به او امر نمود تا ایشان را در بُردی (لباسی) که نماز جمعه را با آن می خواند کفن پوشد، و با عمامه خودش او را عمامه پوشد و قبرش را چهار گوش سازد و به مقدار چهار انگشت بالا آورد و هنگام دفن بندهای کفن او را بگشاید: سپس به گواهان فرمود برگردید خدا شما را رحمت کند - بعد از آنکه رفتند - گفتم: ای پدر! در این وصیت چه احتیاجی به گواه گرفتن بود؟ فرمود: پسر جانم! خواستم که تو (در امر امامت یا کارهای وصیت) مغلوب باشی و مردم بگویند به او وصیت نکرده است، خواستم که تو حجت و دلیل داشته باشی.

اللهم وفقنا لما تحب و ترضى

ستاد اقامه نماز استان چهارمحال و بختیاری

آذرماه ۱۴۰۳

سؤالات مسابقه :

۱- این کلام از کدام یک از معصومین است؟ نماز جمعه حج مستمندان است

۱ پیامبر اکرم (ص) ۲ امام علی (ع)

۳ امام حسن عسکری (ع) ۴ امام حسین (ع)

۲- سه اجتماع بزرگ در نزد امام محمد باقر علیه السلام کدام موارد است؟

۱ نماز جماعت، نماز جمعه، نماز عید فطر ۲ نماز جمعه، نماز جماعت، حج

۳ نماز عید فطر، نماز عید قربان، نماز جماعت ۴ نماز جمعه، نماز عید فطر، نماز عید قربان

۳- امام محمد باقر علیه السلام بنای اسلام را بر چند پایه استوار می‌بیند؟

۱ نماز، روزه، جهاد، تولی، تبری ۲ تولی، تبری، زکات، خمس، جهاد

۳ زکات، نماز، روزه، حج، ولایت ۴ نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر

۴- طبق فرمایش امام باقر علیه السلام چه کسانی از انسان‌های غافل شمرده نمی‌شوند

۱ هر مومنی که ولایتمدار باشد ۲ هر مومنی که بر نمازش محافظت نماید

۳ هر مومنی که امر به معروف و نهی از منکر کند ۴ هر سه مورد

۵- کدام معصوم علیه السلام فرمودند مرا در جامه‌ای که با آن نماز می‌خوانم دفن نمایید؟

۱ امام علی علیه السلام ۲ امام حسن علیه السلام

۳ امام باقر علیه السلام ۴ امام صادق علیه السلام

۶- کدام معصوم علیه السلام در هنگام نماز چهره‌اش زرد می‌شد گویی هنگام مناجات او را می‌بیند؟

۱ امام صادق علیه السلام ۲ امام باقر علیه السلام

۳ امام علی علیه السلام ۴ موارد ۱ و ۲

۷- طبق فرمایش امام باقر علیه السلام نماز وسطی کدام نماز است؟

۲ نماز مغرب و عشا

۱ نماز صبح

۴ نماز عصر

۳ نماز ظهر

۸_ سه چیز که در کلام امام باقر (ع) خداوند به هیچکس رخصت و اجازه نقض آن را نداده است کدامند؟

۱ ادای امانت، نماز اول وقت، بر به والدین

۲ ادای امانت، بر والدین، نماز جماعت

۳ ادای امانت، وفای به پیمان، نیکی به پدر و مادر

۴ ادای دین، ادای امانت، ادای عهد

۹_ بر اساس فرمایش حضرت امام باقر علیه السلام چه چیز مطلوب و محبوب خداوند متعال است ؟

۱ نماز اول وقت

۲ دستگیری از مستمندان و فقرا

۳ نیکی به علما و صلحا

۴ درخواست و تقاضا از خداوند

۱۰_ طبق فرمایش امام باقر علیه السلام کدام موارد از برترین اعمال است؟

۱ سیر کردن گرسنگی مسلمان، زدودن غم مسلمان، پوشاندن عیب و زشتی او

۲ سیر کردن مسلمان فقیر، نماز اول وقت به جماعت در مسجد

۳ نماز اول وقت، نیکی به پدر و مادر، وفای به عهد

۴ گزینه یک و سه

